

## The Role of Women in Muslim Family Cohesion during War

Razieh Mir ali Malek

Assistant Professor, Farhangian University, Qom, Iran

Email: r.miralimalek@cfu.ac.ir

### Abstract

The family, as the fundamental unit of society, plays an essential role in fostering internal stability. Within this structure, the nurturing role of women and the responsible leadership of men synergistically promote family cohesion. Muslim women, by leveraging these established bonds, effectively reproduce Islamic values and draw upon historical archetypes to guide their households, a phenomenon clearly evidenced in the oral and written narratives of Islamic history, especially during periods of crisis.

Furthermore, women serve as the primary anchors for psychological balance by cultivating resilience—an invaluable skill that is both learnable and transferable. By managing emotions and fostering a safe, optimistic domestic environment, they uphold the family's integrity. Through the consistent promotion of patience and perseverance in their daily interactions, they ensure the household remains a source of strength. Ultimately, when women institutionalize religious teachings within the home, they become the vital force that safeguards family cohesion. This practice not only maintains stability during turbulent times like war but also ensures the family remains a resilient, unified entity against external challenges, effectively securing the long-term well-being of the society as a whole.

**Keywords:** women, family, cohesion, war, resistance.

## دور المرأة في ترابط الأسرة المسلمة خلال فترة الحرب

راضية ميرعلي ملك

أستاذ مساعد بقسم تعليم المعارف والتربية الإسلامية، جامعة فرهنكيان، قم، الجمهورية الإسلامية الإيرانية.

البريد الإلكتروني: r.miralimalek@cfu.ac.ir

### المخلص

تعد الأسرة اللبنة الأساسية للمجتمع، وتلعب دوراً جوهرياً في تشكيل التماسك الاجتماعي والحفاظ عليه. وفي هذا السياق، يساهم الدور العاطفي الداعم للمرأة، متكامل مع دور الرجل المسؤول، في ترسيخ دعائم الأسرة وضمان استقرارها. إن المرأة المسلمة، باعتمادها على ركائز التماسك الأسري، قادرة على إعادة إنتاج القيم الإسلامية واستلهاهم النماذج والرموز الدينية التي تجسد هذه الأدوار، وهو ما تظهره بوضوح السرديات الشفهية والمكتوبة في المجتمعات الإسلامية، لا سيما في أوقات الأزمات والحروب.

من جانب آخر، تؤدي المرأة دوراً محورياً في الحفاظ على التوازن النفسي للأسرة من خلال قدرتها على إدارة الانفعالات وتوظيف مهارة «المرونة» (التاب آوري)، وهي مهارة مكتسبة قابلة للتعليم. إن خلق بيئة أسرية آمنة ومفعمة بالأمل، وتعزيز ثقافة الصبر والاستقامة في القول والفعل، من أهم العوامل التي تضمن استقرار الأسرة وفعاليتها في الظروف الصعبة.

بناءً على ذلك، فإن تمسك المرأة بالتعاليم الدينية وتجذيرها في نفوس أفراد الأسرة، يمكنها من أداء دور حاسم في حماية النسيج الأسري وضمان استمراريته في مواجهة التحديات الكبرى كالحروب، مما يرسخ هويتها كصمام أمان للمجتمع في أشد الظروف.

الكلمات المفتاحية: المرأة، الأسرة، الترابط، الحرب، المقاومة.

## نقش زنان مسلمان در انسجام خانواده در دوران جنگ

راضیه میرعلی ملک

استادیار گروه آموزش معارف و تربیت اسلامی، دانشگاه فرهنگیان، قم، ایران

Email: r.miralimalek@cfu.ac.ir

### چکیده

خانواده به عنوان بنیادی‌ترین نهاد اجتماعی، نقشی اساسی در شکل‌گیری و حفظ انسجام درونی جامعه ایفا می‌کند. نقش عاطفی و حمایت‌گر زنان در کنار نقش مسئولیت‌پذیر و مدیریتی مردان، زمینه‌ساز استحکام و پایداری بیشتر خانواده می‌شود. زنان مسلمان با تکیه بر مؤلفه‌های انسجام خانواده، می‌توانند به بازتولید ارزش‌های اسلامی پرداخته و از بازتاب الگوها بهره ببرند. بازتاب این نقش‌آفرینی را می‌توان در روایت‌های شفاهی و مکتوب جوامع اسلامی، به‌ویژه در شرایط بحرانی و دوران جنگ، به‌روشنی مشاهده کرد.

از سوی دیگر، زنان با مدیریت هیجانات فردی، خانوادگی و بهره‌گیری از مهارت تاب‌آوری، که قابلیت اکتسابی و قابل آموزش است، نقش مهمی در حفظ تعادل روانی خانواده بر عهده دارند. ایجاد فضایی امن، آرام و امیدبخش در محیط خانواده و تقویت فرهنگ صبر و استقامت در رفتار و گفتار، از جمله عواملی است که به حفظ انسجام، پایداری و کارآمدی خانواده در شرایط دشوار کمک می‌کند.

براین اساس، زنان با بهره‌گیری از آموزه‌های دینی و نهادینه‌سازی آن‌ها در میان اعضای خانواده، می‌توانند در مواجهه با بحران‌هایی همچون جنگ، نقشی تعیین‌کننده در حفظ همبستگی، انسجام و پایداری خانواده ایفا کنند. واژگان کلیدی: زنان مسلمان، انسجام خانوادگی، تاب‌آوری، جنگ، مقاومت.

## مقدمه

خانواده همواره به عنوان یکی از مهم‌ترین نهادهای اجتماعی شناخته شده است و استحکام و کارآمدی آن به طور مستقیم و غیرمستقیم بر سلامت و پویایی جامعه تأثیر می‌گذارد. از این رو، صاحب‌نظران حوزه‌های جامعه‌شناسی، روان‌شناسی و حقوق توجه ویژه‌ای به جایگاه و کارکردهای خانواده داشته‌اند. برحسب بسیاری از یافته‌های پژوهشی بسیاری از مسائل و چالش‌های خانوادگی ناشی از ضعف یا فقدان عواملی همچون اخلاق‌مداری، برخورداری از مهارت‌های زندگی و آگاهی نسبت به نیازهای تربیتی فرزندان است (میرعلی‌ملک، ۱۴۰۴).

دوران جنگ برحسب حساسیت خاص خود نیاز به مدیریت داشته و این امر در نهادهای بزرگ و کوچک باید دنبال گردد براین اساس بوجود آوردن نظم و استحکام کافی از جمله مواردی است که می‌تواند خانواده را از فروپاشی و استرس و اضطراب مواجهه با موقعیت خاص جنگی حفظ نماید؛ که این مهم با حفظ انسجام و رویکردهای راهبردی امکان پذیر است.

در این بین نگاهی به معنای لغوی انسجام بهتر می‌تواند اهمیت وجود این مهم را در خانواده نمایان سازد. انسجام خانواده در لغت به معانی مختلفی یاد می‌شود از جمله معانی قابل ذکر برای این امر «منظم شدن، با هم جور شدن، مستحکم شدن و استوار شدن» است (عمید، ۱۳۷۵).

دوران جنگ به دلیل شرایط ویژه و بحرانی، نیازمند مدیریت مؤثر در سطوح مختلف فردی، خانوادگی و اجتماعی است. از این رو، ایجاد نظم، ثبات و استحکام در نهاد خانواده از جمله عواملی است که می‌تواند اعضای خانواده را در برابر آسیب‌های روانی، استرس‌ها و اضطراب‌های ناشی از شرایط جنگی مصون نگه دارد. تحقق این هدف در گرو حفظ انسجام خانوادگی و اتخاذ رویکردهای راهبردی متناسب با شرایط بحرانی است.

در این میان، بررسی مفهوم «انسجام» می‌تواند اهمیت آن را در نظام خانواده روشن‌تر سازد. واژه انسجام در لغت به معانی مختلفی همچون «نظم و هماهنگی»، «همبستگی»، «استحکام» و «پایداری» اشاره دارد (عمید، ۱۳۷۵). مؤلفه‌های انسجام خانوادگی، بر اساس تعاریف موجود، برای ایجاد وحدت، همبستگی و تعامل سازنده میان اعضای خانواده و نیز کاهش تنش‌ها و تعارضات درون خانوادگی تأکید دارند. چنین انسجامی نقش مهمی در کاهش اضطراب‌های ناشی از شرایط بحرانی و ارتقای سطح تاب‌آوری اعضای خانواده ایفا می‌کند. به بیان دیگر، در خانواده‌ای که از انسجام کافی برخوردار است، توانایی کنترل و مدیریت هیجانات فردی و جمعی نیز افزایش می‌یابد.

یافته‌های پژوهشی نشان می‌دهد افرادی که مهارت‌های لازم را در محیط خانواده فرا می‌گیرند، در مقایسه با کسانی که این مهارت‌ها را صرفاً از سایر نهادها و ساختارهای فرهنگی و اجتماعی دریافت می‌کنند، در عرصه‌های مختلف زندگی عملکرد موفق‌تری دارند. همچنین نتایج مطالعات حاکی از آن است که

میزان رضایت زناشویی در میان زوج‌هایی که از مهارت‌های ارتباطی و تعاملی مناسب برخوردارند، در سطح مطلوب‌تری قرار دارد (جابری و همکاران، ۱۳۹۴ ص ۱۴۳).

زمینه‌سازی برای ایجاد و تقویت انسجام خانوادگی بیش از هر چیز از طریق والدین صورت می‌گیرد. در این میان، مادر به عنوان یکی از مهم‌ترین عوامل انتقال عواطف، محبت و حمایت روانی در خانواده، نقش برجسته‌ای در شکل‌گیری روابط عاطفی و همبستگی میان اعضای خانواده ایفا می‌کند. البته پدر نیز با ایفای نقش الگویی، حمایتی و مدیریتی، مکمل فرایند تربیت و تحکیم روابط خانوادگی است. از این رو، آموزش ارزش‌ها، هنجارها و الگوهای فرهنگی، دینی، ملی و حماسی به فرزندان از دوران کودکی، می‌تواند در شکل‌گیری هویت فردی و اجتماعی آنان نقش مؤثری داشته باشد. این امر به ویژه در شرایط بحرانی، از جمله دوران جنگ، در تقویت روحیه مقاومت، مسئولیت‌پذیری و انسجام خانوادگی اهمیت بیشتری می‌یابد.

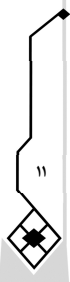
در بحران‌هایی نظیر جنگ، زنانی که در فرایند جامعه‌پذیری و تربیت خانوادگی از آمادگی‌های لازم برخوردار شده‌اند، می‌توانند در جایگاه همسر و مادر، نقش مؤثری در حفظ آرامش روانی و ثبات عاطفی خانواده ایفا کنند. این نقش با الهام از آموزه‌های دینی، از جمله مفهوم «سکینه» در قرآن کریم (روم: ۲۱)، قابل تبیین است. تجربه جوامع درگیر جنگ نیز نشان می‌دهد که زنان در بسیاری از موارد با صبر، استقامت و مدیریت عاطفی، نقشی تعیین‌کننده در حفظ پایداری

خانواده برعهده داشته‌اند. براین اساس، مقاله حاضر با بررسی عوامل مؤثر بر ایجاد و تقویت انسجام درون خانوادگی، به ویژه نقش زنان مسلمان در این فرایند، در پی تبیین چگونگی حفظ و ارتقای انسجام خانواده در شرایط جنگی است. زنان مسلمان از طریق الگودهی تربیتی، انتقال ارزش‌هایی همچون صبر، امید، ایثار و تاب‌آوری، و نیز ایجاد فضای روانی امن و امیدبخش در خانواده، می‌توانند در مدیریت هیجانات اعضای خانواده و تقویت همبستگی و انسجام درونی آن نقش مؤثری ایفا کنند.

#### الف. زنان و زمینه‌سازی انسجام در خانواده مسلمان

زنان متناسب با جایگاه و موقعیت خود، نقش‌های متعددی را در عرصه‌های فردی، خانوادگی و اجتماعی برعهده دارند. ایفای نقش‌هایی همچون دختری، همسری و مادری در کنار مسئولیت‌های اجتماعی، انتظارات و کارکردهای متفاوتی را برای آنان رقم می‌زند. در این میان، نقش‌های خانوادگی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است؛ زیرا خانواده نخستین بستر شکل‌گیری شخصیت فرد و مهم‌ترین زمینه‌ساز ایفای نقش‌های اجتماعی به شمار می‌آید.

براساس یافته‌های پژوهشی حاصل از تحلیل گفتمان و با بهره‌گیری از چارچوب نظری جامعه‌شناسی تفسیری، از جمله نظریه گفتمان و نظریه سازه اجتماعی دیوید چیل، پنج الگوی عمده خانواده شامل «خانواده پست مدرن»، «خانواده تجددگرا»، «خانواده در حال گذار»، «خانواده سنتی» و «خانواده اسلامی»



در جوامع معاصر قابل شناسایی است. این الگوها بازتاب گفتمان‌های مسلط و تأثیرگذار در حوزه خانواده بوده و هریک دارای ویژگی‌ها، ارزش‌ها و کارکردهای خاص خود هستند (ساروخانی و همکاران، ۱۳۹۵، ص ۹).

با توجه به مباحث نظری مطرح شده درباره الگوهای خانواده، به نظرمی‌رسد خانواده‌های سنتی و اسلامی ظرفیت بیشتری برای شکل‌دهی و تقویت گفتمان مقاومت، پایداری و تاب‌آوری در شرایط بحرانی، به‌ویژه در جوامع اسلامی، داشته باشند. البته این مؤلفه‌ها در سایر الگوهای خانوادگی نیز قابل مطالعه و ارزیابی است؛ بااین‌حال، از آنجا که شکل‌گیری و نهادینه‌شدن هرگفتمان مستلزم وجود پیش‌زمینه‌های معرفتی، فرهنگی و ذهنی متناسب با آن است، بهره‌گیری از آموزه‌ها و مفاهیم دینی در خانواده‌هایی که از پیش با این ارزش‌ها آشنایی بیشتری دارند، با سهولت و اثربخشی بیشتری همراه خواهد بود.

براین اساس، مفاهیمی همچون صبر، استقامت، پایداری، تلاش برای پیروزی، جهاد، ایمان به منجی و فرهنگ ایثار و شهادت، در طرحواره‌های ذهنی افرادی که با این تفکرات آشنایی دارند، از قابلیت تبیین و درونی‌سازی بیشتری برخوردار است (موسوی‌نسب، ۱۳۸۹). با وجود این، سایر گروه‌های اجتماعی نیز متناسب با میزان آشنایی و تعامل خود با فرهنگ مقاومت می‌توانند از این مفاهیم تأثیر پذیرفته و در شرایط بحرانی از آن‌ها بهره‌مند شوند؛ چنان‌که نمونه‌های متعددی از این تأثیرپذیری در جوامع درگیر جنگ و بحران قابل مشاهده است. از منظری دیگر، می‌توان خانواده سنتی را نیز در زمره خانواده‌های مستعد

شکل‌دهی و تقویت گفتمان مقاومت، پایداری و تاب‌آوری قرار داد. در این نوع خانواده، هنجارها، ارزش‌ها و تجربه‌های انباشته‌شده نسل‌های پیشین نقش مهمی در جهت‌دهی به نگرش‌ها و کنش‌های اعضای خانواده ایفا می‌کنند. با این حال، تحقق این کارکرد در گرو شکل‌گیری صحیح سنت‌ها و انطباق آن‌ها با مبانی فکری، فرهنگی و تربیتی اسلام است.

مانه‌ایم بر این باور است که دانش و آگاهی اجتماعی افراد در هر جامعه بر پایه تجربه‌های زیسته آنان شکل می‌گیرد. این آگاهی اجتماعی، برداشت افراد از خویشتن، زمان و مکان و نیز نحوه تعامل آنان با دیگران را تحت تأثیر قرار می‌دهد. در چنین فرایندی، سنت‌ها به‌طور مستمر بازتولید شده و به تدریج ماهیتی هنجاری و الزام‌آور پیدا می‌کنند (مانه‌ایم، ۱۳۸۰ ص ۵۸-۵۹).

انسجام خانوادگی حاصل تعامل و مشارکت تمامی اعضای خانواده است؛ با این حال، زنان به دلیل نقش محوری خود در مدیریت عاطفی و روانی خانواده، سهمی برجسته در این فرایند دارند. خانواده به عنوان نخستین نهاد اجتماعی، بستر شکل‌گیری شخصیت، انتقال ارزش‌های اخلاقی و آموزش هنجارهای اجتماعی به فرزندان را فراهم می‌کند. در این میان، مادر به واسطه جایگاه تربیتی و عاطفی خود، نقش مؤثری در انتقال ارزش‌ها و تقویت گفتمان‌هایی چون صبر، تاب‌آوری و مقاومت در خانواده ایفا می‌کند.

#### ۱. زنان و انتقال ارزش‌های مطلوب در خانواده مسلمان

خانواده، با وجود ساختار محدود خود، از ظرفیت بالایی در تربیت و

شکل دهی شخصیت فرزندان برخوردار است. تحقق این کارکرد مستلزم برنامه‌ریزی، آگاهی و هدف‌مندی والدین در انتقال ارزش‌ها و هنجارهای مطلوب به فرزندان است. در آموزه‌های قرآنی نیز براهمیت زمینه‌سازی برای رشد فضایل اخلاقی و تربیتی تأکید شده است. خداوند می‌فرماید، ص

«وَالْبَلَدُ الطَّيِّبُ يَخْرِجُ نَبَاتُهُ بِإِذْنِ رَبِّهِ وَالَّذِي خَبَثَ لَا يَخْرِجُ إِلَّا نَكْدًا كَذَلِكَ نُصَرِّفُ الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَشْكُرُونَ» (اعراف، ص ۵۸). «و سرزمین پاکیزه (و شیرین) گیاهش به فرمان پروردگار می‌روید، اما سرزمین‌های بدطینت (و شوره‌زار) جز گیاه ناچیز و بی‌ارزش از آن نمی‌روید. این‌گونه، آیات را برای آنها که شکرگزارند بیان می‌کنیم».

مفسران در تفسیر این آیه می‌گویند: کلمه «نکدا»، به معنای چیزی است که در آن خیری نباشد، «نبات نکد»، به معنای گیاه بی‌ارزش و بی‌فایده می‌باشد. آنها این آیه را ناظر بر تأثیر بسترهای پاک و سالم در شکل‌گیری نتایج ارزشمند دانسته‌اند. از این منظر، خانواده سالم و مبتنی بر ارزش‌های دینی را می‌توان مصداقی از «سرزمین پاک» دانست که زمینه رشد و شکوفایی فضایل انسانی را در فرزندان فراهم می‌آورد (قرائتی، ۱۳۸۶، ج ۴، ص ۸۸). همچنین علامه طباطبائی<sup>۵</sup> در تفسیر این آیه، آورده است: «این به منزله مثال عامی است که می‌رساند که اعمال حسنه و آثار ارزنده از گوهر پاک سرچشمه خواهد گرفت، و خلاف آنها از خلاف آن بوجود می‌آید» (طباطبائی، ۱۳۷۴، ج ۸، ص ۲۰۰). برای این اساس، خانواده نقش بنیادینی در انتقال و نهادینه‌سازی ارزش‌های مطلوب در

نسل‌های آینده ایفا می‌کند.

تربیت کودکان از سنین خردسالی از جمله مؤلفه‌هایی است که برخلاف برخی تصورات عامیانه، نیازمند زمینه‌سازی‌های متعدد و برنامه‌ریزی هدفمند است. با نگاهی به روند تحولات خانواده از گذشته تاکنون، می‌توان دریافت که امروزه تغییرات گسترده‌ای در حوزه ارزش‌های دینی، فرهنگی، اجتماعی و سیاسی خانواده‌ها رخ داده است؛ تغییراتی که برخی از این ارزش‌ها را حتی با چالش‌ها و بحران‌های جدی مواجه ساخته است. هرچند پیوند میان خانواده و انتقال ارزش‌های دینی، فرهنگی و اجتماعی انکارناپذیر است، اما این فرایند در عصر حاضر با بهره‌گیری از ابزارها و شیوه‌های جدید صورت می‌گیرد.

در دوران معاصر، دگرگونی و استحاله ارزش‌ها از طریق شبکه‌های جهانی ارتباطی و فضای مجازی به سهولت امکان‌پذیر شده و این امر به نوبه خود بر رفتار، نگرش و گفتمان نسل جوان تأثیرگذار است (اسلوین، ۱۳۸۰، ص ۸۳). با وجود این، شکل‌گیری ذهنیت اولیه و طرح‌واره‌های مرتبط با مبانی دینی در کودکانی که همواره در پی کشف و شناخت محیط پیرامون خود هستند، همچنان در بستر خانواده صورت می‌گیرد و پردازش می‌شود.

مقام معظم رهبری در این زمینه می‌فرمایند: «این است که این فرهنگ‌پذیری که در انسان هست، این از ناحیه خانواده است. در درجه‌ی اول از ناحیه‌ی خانواده است که اشباع می‌شود، پاسخ داده می‌شود. هم واقعیتی را بیان می‌کند که بدانیم ما، هر حرکت ما، هر رفتار ما، مشی ما با فرزندان ما تأثیر می‌گذارد در

شکل‌گیری ذهنیت آنها و شخصیت آنها.» (حضرت امام خامنه‌ای ۱۵، ۱۳۹۲/۰۵/۰۵)

براین اساس، ایجاد فضاها و به‌کارگیری شیوه‌های متناسب با سن کودک و نوجوان برای آموزش مبانی، مفاهیم و الگوهای دینی از سوی والدین، به‌ویژه مادران، می‌تواند در نهادینه‌سازی مؤلفه‌هایی همچون شجاعت، عزتمندی، استقلال‌طلبی، مقاومت و سایر فضایل اخلاقی و اجتماعی مؤثر باشد و زمینه پایداری این شاخص‌های رفتاری را در مواجهه با بحران‌های اجتماعی و شرایط جنگی فراهم آورد.

## ۲. زنان؛ الگو و اسوه‌سازی در خانواده مسلمان

به‌طور کلی، الگوها و قهرمانان نقش مهمی در شکل‌دهی نگرش‌ها، ارزش‌ها و رفتارهای انسان دارند. افراد در مسیر رشد و تعالی خود همواره در جست‌وجوی شخصیت‌های برجسته‌ای هستند تا باورها و رفتارهای خویش را با آنان منطبق سازند؛ هرچند گاهی ممکن است به جای الگوهای اصیل، تحت تأثیر الگوهای نادرست یا بدیل قرار گیرند.

وجه مشترک زنان ایشارگر، شهدا و جانبازان زن، همچنین مادران، همسران و خانواده‌های شهدا و جانبازان در دوران دفاع مقدس و سایر مقاومت‌هایی همچون جنگ ۱۲ روز و جنگ رمضان، ایمان به خداوند، پایبندی به آرمان‌های دینی و برخورداری از نگرش توحیدی است. این ویژگی‌ها آنان را به الگوها و

اسوه‌های ماندگار برای نسل‌های بعد تبدیل کرده است.

در این زمینه، از میان نمونه‌های فراوان می‌توان به بخشی از وصیت‌نامه شهیده نسرین افضلی و شهیده سیاری اشاره کرد. شهیده افضلی در وصیت‌نامه خود می‌نویسد: «خداوندا به ما توفیق عبادت و اطاعت عنایت فرما و ما را از شر هوای نفس محفوظ بدار... اله‌ها به ما قدرتی عنایت کن که پرچم لا اله الا الله را در سراسر جهان به اهتزاز درآوریم.» همچنین شهیده سیاری در بخشی از وصیت‌نامه خویش، در بیان رابطه انسان با خداوند، چنین می‌نویسد: «خداوندا از درگاهت خواستارم که در رابطه با اجتماع، خود را آن‌گونه به من بشناسانی که خود می‌پسندی...» (فلاح تفتی، ۱۴۰۰).

در بررسی نقش‌آفرینی زنان در جنگ از صدر اسلام تاکنون یعنی از غزوات پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم تا جنگ‌های یاد شده در ایران و در کشورهای اسلامی دیگر اعم از فلسطین، لبنان، عراق و...، شناسایی الگوها و اسوه‌های مقاومت در بین آنان در تاریخ شفاهی و مستندات بدست آمده، کار سختی نیست.

به عنوان نمونه، در دوران دفاع مقدس بانوانی مانند: مرضیه حدیدچی و نیز مبارزان برجسته‌ای مانند شهیده بنت‌الهدی صدر در عراق، در کنار بسیاری از زنان دیگر، با حضور در عرصه‌های مختلفی همچون امداد رسانی، خلبانی، پرستاری، پشتیبانی، نگهبانی و سایر فعالیت‌های مرتبط با جبهه‌های مقاومت، نقش‌آفرینی کرده‌اند. از این رو، بهره‌گیری از سیره و سبک زندگی این زنان به عنوان الگوهای عینی و اثرگذار، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

براین اساس، شایسته است والدین به ویژه مادران، سیره زندگی این زنان را به

عنوان الگوهای واقعی و الهام‌بخش به فرزندان معرفی کنند تا آنان با شناخت این شخصیت‌ها، ارزش‌هایی چون ایمان، ایثار، استقامت و مسئولیت‌پذیری را در زندگی خود نهادینه سازند. از این رو، پس از سیره پیامبران الهی و اهل بیت عصمت و طهارت علیهم‌السلام، علما و صلحا، سیره شهداء و جانبازان، به ویژه زن شهید و ایثارگر معاصر می‌تواند بهترین الگو برای رسیدن به کمال و سعادت اعضای خانواده و پایداری آن در مواضع سختی مانند جنگ به شمار می‌آید.

رهبر شهید امام خامنه‌ای داماد در این مورد می‌فرماید:

«هر جامعه و ملّتی نیاز به الگو دارد. مردم و به خصوص جوانان و نوجوانان از کسانی الگویی گیرند که جزئیات زندگی آن‌ها را بدانند و با آن آشنا باشند. شهدا به دلایل متعدّد می‌توانند الگوهایی مناسب، در دسترس، باورپذیر، قابل‌تعمیم و جذّاب برای نسل جوان باشند. یکی از نکات مهم درباره‌ی آن‌ها این است که در همین جامعه و شرایط و دوران امروز زندگی می‌کردند و این قرابت زمانی و مکانی، بسیاری از شبهات و گره‌های ذهنی را برطرف می‌کند و بهانه‌ها و وسوسه‌های شیطانی را مرتفع می‌سازد. کم نبوده‌اند کسانی که با خواندن سرگذشت شهدا دچار تحوّل روحی شدند و مسیر زندگی خود را به سوی سعادت تغییر داده‌اند.

(سایت <https://farsi.khamenei.ir/others-report?id=57516>)

#### ب. مدیریت هیجانات در بحران‌ها، توسط زنان در خانواده مسلمان

شناخت انواع خانواده‌ها از جمله سهل‌گیر، سخت‌گیر و متعادل و همچنین آگاهی از انواع و اقسام سبک‌های گفت‌وگو، مانند سبک منفعلانه، تهاجمی،

منفعل - تهاجمی و صریح، از جمله پیش‌نیازهای مدیریت هیجانات در خانواده به شمار می‌آید.

هیجانات و شیوه‌ی مدیریت آنها در موقعیت‌های خاصی همچون جنگ، متناسب با ساختار خانواده و ویژگی‌های فردی اعضا، به‌ویژه جنسیت و نقش‌های اجتماعی آنان، نمودهای متفاوتی پیدا می‌کند. برای مثال، در خانواده‌های متعادل، وظایف متناسب با توانمندی‌ها و ظرفیت‌های هریک از اعضا تقسیم می‌شود. برای زنان و دختران نقش‌های حمایتی و مرتبط با کمک‌رسانی و امداد و برای مردان و پسران نقش‌های مرتبط با حضور در میدان را تنظیم می‌نماید. پذیرش و ایفای این نقش‌ها ضمن کمک به مدیریت هیجانات، می‌تواند رشد فزاینده‌ای را در شخصیت اعضا به دنبال داشته باشد.

#### ۱. زنان و افزایش سطح تاب‌آوری اعضای خانواده مسلمان

حفظ روحیه اعضای خانواده در شرایط بحرانی، از جمله دوران جنگ، تا حد زیادی به حفظ روحیه و پایداری والدین، به‌ویژه مادران، به دلیل جایگاه عاطفی و روانی آنان در خانواده، وابسته است. روحیه استقامت و بردباری در چنین مواقعی به‌صورت ناگهانی بدست نمی‌آید، بلکه حاصل نوع تربیت فرد، شیوه مواجهه او با مسائل زندگی و نیز آمادگی‌های خانوادگی و اجتماعی وی برای رویارویی با بحران‌ها است. ازاین‌رو، نحوه تربیت و تجربه‌های پیشین افراد نقش مهمی در بازتولید الگوهای رفتاری آنان در شرایط دشوار ایفا می‌کند.

یکی از مؤلفه‌های اصلی و پیشران در حوزه مقاومت و پایداری، حفظ آرامش و



کنترل هیجانات در زمان بحران است. این امر هم در آموزه‌های اسلامی و هم خاطرات برآمده از جنگ‌های مسلمین قابل مشاهده است. به عنوان نمونه، در یکی از گزارش‌های مربوط به جنگ رمضان اخیر ایران، مادری که چند تن از عزیزانش را در جنگ از دست داده بود، در حالی که با صلابت پرچم را بردوش داشت، در پاسخ به پرسش گزارشگر مبنی بر علت حضورش در آن مکان، با آرامش و لبخندی معنادار گفت: منتظر فرزندانم هستم...» (ر.ک. کلیپ مادر شهیدان رستمی)

## ۲. زنان و ایجاد فضای امن و شاد در خانواده مسلمان

شادی و نشاط در فرهنگ اسلامی جایگاه خاص و ویژه‌ای دارد. کسانی که دینداری را مانعی برای شاد بودن و ایجاد نشاط در خانواده و جامعه می‌دانند، فهم و قرائت درستی از آموزه‌های اسلامی ندارند. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به عنوان بزرگ‌ترین شخصیت اسلام، به خوش‌رویی، شوخ‌طبعی و ایجاد فضایی سرشار از محبت و نشاط در میان اطرافیان و حتی دشمنان خود مشهور بوده‌اند.

ایشان در اهمیت ایجاد شادی در محیط خانواده می‌فرمایند:

«مَنْ أَدْخَلَ عَلَى أَهْلِ بَيْتِهِ سُورًا خَلَقَ اللَّهُ مِنْ ذَلِكَ الشُّرُورَ خَلْقًا يَسْتَغْفِرُ لَهُ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ»؛ «هر کس خانواده خود را شاد سازد، خداوند از آن شادی مخلوقی می‌آفریند که تا روز قیامت برای او طلب آمرزش می‌کند» (متقی هندی، ۱۴۰۹، ج ۱۶، ص ۳۷۹؛ ابن بابویه، ۱۳۶۴، ص ۱۴۹).

براین اساس، توجه به شادی و نشاط از ویژگی‌های مهم خانواده سالم و

منسجم به شمار می‌آید. از این رو، اعضای چنین خانواده‌ای می‌کوشند با گذشت، مدارا و چشم‌پوشی از برخی خطاها، به‌ویژه خطاهای جزئی، فضای عاطفی خانه را حفظ و تقویت کنند. البته این امر به معنای افراط یا تفریط در بخشش و نادیده گرفتن خطاها نیست، بلکه ناظر به ایجاد تعادل در روابط خانوادگی و حفظ آرامش روانی اعضای خانواده است.

خانواده منسجم، در شرایط بحرانی از جمله دوران جنگ، تلاش می‌کند احساس امنیت و آرامش را در میان اعضای خود حفظ نماید. در چنین شرایطی زنان به دلیل نقش محوری خود در مدیریت عاطفی خانواده، ضمن ایجاد محیطی آکنده از محبت، نشاط و امید در خانه، می‌توانند به تقویت انسجام خانواده و حرکت اعضا در مسیر صحیح حفظ ارزش‌ها کمک کنند.

### ۳. زنان و بازخوانی انگاره‌های صبر در خانواده مسلمان

صبر و بردباری در عرصه‌های اخلاقی، رفتاری و اقتصادی از مهم‌ترین مؤلفه‌های استحکام بخش زندگی خانوادگی است؛ به گونه‌ای که امروزه پایین آمدن آستانه تحمل افراد و گسترش بسیاری از بزه‌های اجتماعی را می‌توان از پیامدهای کم‌رنگ شدن این فضیلت اخلاقی دانست.

خداوند متعال در قرآن مجید می‌فرماید:

«وَإِنْ تَعَفُّواْ وَتَصْفَحُواْ وَتَغْفِرُواْ فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ»؛ «و اگر گذشت کنید و چشم

پوشید و عفو نمایید، خداوند آمرزنده و مهربان است» (سوره تغابن: آیه ۱۴)

امیرالمؤمنین علی علیه السلام نیز در یکی از حکمت‌های نهج البلاغه، صبر را از ارکان



اساسی ایمان دانسته و می‌فرمایند:

«أَوْصِيَكُمْ بِخَمْسٍ لَوْ ضَرَبْتُمْ إِلَيْهَا آتَاكُمْ الْإِيمَانُ لَكَانَتْ لَكُمْ أَهْلًا لَا يَرْجُونَ أَحَدًا مِنْكُمْ إِلَّا رَبَّهُ وَلَا يَخَافُونَ إِلَّا ذَنْبَهُ وَلَا يَسْتَحِينُ أَحَدٌ مِنْكُمْ إِذَا سُئِلَ عَمَّا لَا يَعْلَمُ أَنْ يَقُولَ لَا أَعْلَمُ وَلَا يَسْتَحِينُ أَحَدٌ إِذَا لَمْ يَعْلَمْ الشَّيْءَ أَنْ يَتَعَلَّمَهُ وَعَلَيْكُمْ بِالصَّبْرِ فَإِنَّ الصَّبْرَ مِنَ الْإِيمَانِ كَالرَّأْسِ مِنَ الْجَسَدِ وَلَا خَيْرَ فِي جَسَدٍ لَا رَأْسَ مَعَهُ وَلَا فِي إِيمَانٍ لَا صَبْرَ مَعَهُ»؛ «شما را به پنج چیز سفارش می‌کنم که اگر برای آن‌ها شتران را پرشتاب برانید و رنج سفر را تحمل کنید سزاوار است: کسی از شما جز به پروردگار خود امیدوار نباشد و جز از گناه خود نترسد و از یکی سؤال کردند و نمی‌داند، شرم نکند و بگوید نمی‌دانم و کسی در آموختن آنچه نمی‌داند شرم نکند و بر شما باد به شکیبایی که شکیبایی، ایمان را چون سراسر است بریدن و ایمان فاقد شکیبایی چونان بدن بی‌سر، ارزشی ندارد» (سید رضی، نهج البلاغه، حکمت ۸۲).

در میان زنان حاضر در عرصه‌های مقاومت، وجود و نهادینه شدن این مؤلفه شخصیتی، یعنی صبر و پایداری بسیار قابل توجه است. براساس مستندات و روایت‌های شفاهی و مکتوب، هنگامی که زنان ایرانی، سوری، فلسطینی و دیگر زنان مسلمان در مواجهه با فقدان همسران و فرزندان خود، الگوهای استقامت و پایداری را در گفتار و رفتار خویش به نمایش می‌گذارند، چنین به نظر می‌رسد که این نگرش و منش سال‌ها در وجود آنها شکل گرفته و تثبیت شده است. البته روشن است که این مؤلفه شخصیتی اکتسابی بوده و به هیچ وجه به یکباره در اشخاص پدید نخواهد آمد.

به عنوان نمونه، در جریان جنگ رمضان ایران (۱۴۰۵/۱۴۰۴) در یکی از کلیپ-

های منتشر شده، زن جوان پزشک ایرانی ۳۴ ساله‌ای مشاهده می‌شود که در کنار پیکربستگان خود، با صلابت رجزخوانی کرده و خود را مادر شهید یازده ساله، مادر جانباز نه ساله و همسر شهید معرفی می‌کند. وی در بخشی از سخنان خود اعلام می‌دارد: به هیچ وجه انتقام خون شهدایم را نمی‌خواهم فقط و فقط انتقام خون رهبرم را خواستارم... (کلیپ همسر شهید، ۳۴ ساله و مادر دو کودک شهید و جانباز).

این نوع نگرش‌ها و رفتارها از منظر روانشناختی، اجتماعی و تربیتی قابل تحلیل و واکاوی هستند تا ریشه‌های این سطح از استقامت و پایداری در لایه‌های فکری، اعتقادی و ارزشی افراد شناسایی شوند. شناخت این عوامل می‌تواند زمینه‌ارایه الگوهای رفتاری درستی را خصوصاً در بین خانواده‌ها و بیش از همه در بین زنان فراهم سازد. همچنین، پژوهش‌های مرتبط در این زمینه نشان می‌دهد که بخش مهمی از این روحیه پایداری و تاب‌آوری، ریشه در آموزش صحیح ارزش‌ها و باورهای بنیادین از دوران کودکی دارد (نوذری، ۱۴۰۲، ص ۱۱۶).

### نتیجه‌گیری

نهاد خانواده به عنوان نهادی پویا و مؤثر در ایجاد و حفظ انسجام درونی، پایداری و شکل‌گیری لایه‌های فکری اعضای خود، از اهمیت زیادی برخوردار است و نقش عاطفی و تربیتی زنان در کنار نقش هدایتگر و مقتدرانه پدر، این انسجام را استحکام بیشتری می‌بخشد. آموزش ارزش‌های دینی طی فرایند صحیح تربیتی و نیز افزایش تاب‌آوری، کنترل و مدیریت هیجانات در این نهاد



مقدس، همواره باید مورد توجه قرار گیرد. در این زمینه، مطالعات و تحقیقات نیز حاکی از آن است که برخورداری زوجین از مهارت‌های لازم، از جمله مهارت خودکنترلی، به افزایش رضایت مندی آنان کمک می‌کند.

زمینه‌سازی انسجام در خانواده‌ها بیش از همه از طریق والدین صورت می‌گیرد و در این میان، مادر از جایگاه و نقش کلیدی برخوردار است. از این رو، آموزش و انتقال ارزش‌ها و باورهای حماسی و ملی از دوران کودکی به فرزندان در موقعیت‌های مختلف، باید با شیوه‌های مناسب و کاربردی در دستور کار خانواده‌های دین‌مدار قرار گیرد. در بحران‌هایی همچون جنگ، زنانی که از دوران کودکی و نوجوانی برای مواجهه با شرایط دشوار آماده شده‌اند، می‌توانند نقش آرامش‌بخش خود را به خوبی ایفا کنند.

سرانجام زنان مسلمان با الگوسازی و اسوه‌سازی برای فرزندان خود و نیز با آموزش انگاره‌های صبر، امید و ایمنی بخشی و نشاط‌افزایی در دوران جنگ، عواطف اعضای خانواده را مدیریت کرده و آنان را به سمت انسجام درونی هدایت می‌کنند.

بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که با تأکید بر آموزه‌های دینی و تأسی به سیره بزرگان دین و شهدا، و استقرار و نهادینه‌سازی مفاهیم و ارزش‌های مذهبی در میان اعضای خانواده، می‌توان در دوران‌های بحرانی همچون جنگ، انسجام خانواده را به خوبی حفظ و تقویت کرد.

## فهرست منابع

۱. قرآن کریم.
۲. نهج البلاغه.
۳. ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۶۴). ثواب الاعمال. قم: الشریف الرضی.
۴. اسلوین، جیمز (۱۳۸۰). اینترنت و جامعه. ترجمه ع. گلیگوری. تهران: نشر کتابدار.
۵. جابری و همکاران (۱۳۹۴). «بررسی رابطه مهارت های ارتباطی با صمیمیت زناشویی»، پژوهش های علوم شناختی و رفتاری (علمی - پژوهشی). سال ۵. شماره ۹.
۶. دشتی، محمد (۱۳۷۹). ترجمه نهج البلاغه. قم: مشهور.
۷. ساروخانی و همکاران (۱۳۹۵). «تحلیل گفتمان خانواده در جامعه کنونی با تأکید بر مناسبات همسرگزینی». پژوهش نامه اسلامی زن و خانواده. سال ۴. شماره ۷.
۸. طباطبائی، سید محمد حسین (۱۳۷۴). المیزان فی التفسیر القرآن (چاپ پنجم). ترجمه سید محمد باقر موسوی همدانی. قم: جامعه مدرسین.
۹. عمید، حسن (۱۳۷۵). فرهنگ عمید. تهران: امیرکبیر.
۱۰. فلاح تفتی، فاطمه (۱۴۰۰). «الگوی سبک زندگی دینی زنان؛ پژوهشی مبتنی بر وصیت نامه های شهدای زن در دفاع مقدس». مجله علمی - فرهنگی - تربیتی زنان و خانواده. شماره ۵۶.



۱۱. مانهایم، کارل (۱۳۸۰). *ایدئولوژی و بیوتوپیا*. ترجمه محسن ثلاثی. تهران: انتشارات سمت.
۱۲. متقی هندی، علی بن حسام‌الدین (۱۴۰۹). *کنز العمال*. بیروت: مؤسسه الرساله.
۱۳. مجابی، سیدسجاد (۱۴۰۱). *مقایسه بین‌گرایش به اعتیاد، تربیت دینی و شادی و نشاط در فرزندان طلاق و عادی ساکن شهر قزوین*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. قزوین: دانشگاه پیام نور استان قزوین، مرکز قزوین.
۱۴. موسوی نسب، محمدرضا (۱۳۷۹). *مراحل تحول فهم دعا در کودکان*. رساله دکتری. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).
۱۵. نوذری، محمود (۱۴۰۲). *تربیت در دوره دبستان و دبیرستان*. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۱۶. وبگاه رسمی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله خامنه‌ای. «شهاد؛ الگوهای مناسب، در دسترس، باورپذیر و جذاب برای نسل جوان». قابل دسترس در:

<https://farsi.khamenei.ir/others-report?id=57516>